



Imam Sadiq Research Institute

for Islamic Sciences

Research Institute Social Studies

P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://gofteman.isri.ac.ir>

Volume: 1 ; Number: 1

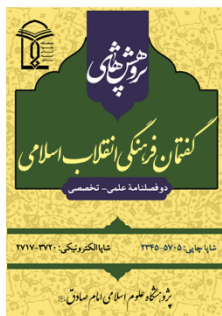
Formulation and Analysis of The Semantic Fields of Explanation in the Strong Qur'anic Culture

Seyyed Abbas Hosseini*

doi: <https://doi.org/10.22034/CDR.2021.211386>

Received: 2024/5/6 ; Accepted: 2024/8/5

Type of Article: Research
(218-243)



Abstract

Discovering the semantic fields of a word, approach and discourse, leads to a detailed understanding of the scope of these matters, and this knowledge can be taken into account in macro-cultural policies. The following article has been compiled in the same direction and with the aim of examining, formulating and analyzing the semantic fields of the word explanation in the solid Qur'anic culture. The research method is a combination of semantics and inference. The findings of the research show that in the Arabic language, the verb *tabayin* is used in the meaning of clear, obvious and unambiguous expression rather than the meaning of explanation and interpretation. Based on the same meaning, all the current derivatives of this word, such as *yabayno*, *yatabayna*, *tabeina*, *letbaina*, *tabinawa*, *bayanna*, and *tabinano*, were analyzed by using the principle of co-occurrence. , Righteousness, Guidance and Enemyology were formulated. In Ayatology, the most frequency is about the explanation of family and social relationships. In jurisprudence, the explanation of divine truth, recognition of the truth, avoidance of controversy and distortion, etc. have been emphasized. In guidance, knowing the path of guidance and the relationship of being guided with neglecting the devil and distinguishing between the path of growth and the other has been explained, and finally in the knowledge of enemies, knowing the enemy of God and their fate, not being in harmony with them, and knowing the face of hypocrisy has been explained. These results for policy-making institutions, such as the Supreme Council of the Cultural Revolution and the Islamic Council, can be a guide in the direction of policy-making and cultural planning, and according to them, it can be useful for the Radio and Television of the Islamic Republic of Iran, the Islamic Propaganda Organization, the affairs of mosques, the policy-making council of Friday imams and the forces Armed, in order to focus on these semantic fields is useful.

Keywords: Explanation, Strong Culture, Similar Culture, Quran, Semantic Fields, Cohabitation Relationshipship.

*. Member of the scientific body "Al-Mustafa International University",
s.a.hosseini1361@gmail.com

مقدمه

فرهنگ محکم^۱ (مشهور) فرهنگی است که به هستی‌شناسی و انسان‌شناسی دینی اتکا دارد و از منابع معرفتی و حیانی و سطوح مختلف عقلانیت بهره‌مند است؛ به عبارت دیگر، فرهنگ محکم فرهنگی روشن، مستدل و هدفمند و الهی است؛ برخلاف فرهنگ متشابه که مبهم، پیچیده و بشری است. این دو فرهنگ در سیر تاریخی خود رویکردهای متفاوتی را در پیش گرفته‌اند و تأثیرات شگرفی را در جوامع به دنبال داشته‌اند.

روشنگری مدرن سبب شکل‌گیری فرهنگ متشابه شده است. این فرهنگ در عمیق‌ترین لایه‌های وجودی خود از مبادی و اصول ثابتی بهره‌مند است. از جمله اصول ثابت آن در بُعد هستی‌شناسی، سکولاریسم یا دنیوی و این جهانی دیدن عالم است و در بُعد انسان‌شناختی، اومانیزم و اصالت دادن به انسان دنیوی و این جهانی است و در بخش معرفت‌شناسی، روشنگری است که جریان‌های عقل‌گرایی و حس‌گرایی و لادری‌گرایانه و شکاک را پوشش می‌دهد (پارسانیا، ۱۳۹۱: ۲۴).

پیروان فرهنگ متشابه که اغلب مخالف فرهنگ و گفتمان محکم‌اند و فرهنگ خود را تنها فرهنگ برتر می‌دانند، در هر دوره تاریخی برای تضعیف جامعه ایمانی و غلبه فرهنگ خود، درصدد ارائه تصویر وارونه از فعالیت‌های دینی و اجتماعی مسلمانان و کتمان برخی از حقایق معرفتی بودند. آن‌ها با نفی مرجعیت علمی دانش شهودی، دانش را منحصر در دانش مفهومی کردند. این رویکرد کتمانی امروزه با پیشرفت فناوری‌های نوین ارتباطی و بسیج شدن هزاران شبکه ماهواره‌ای و تلویزیونی قدرت اثرگذاری بیشتری نیز پیدا کرده است؛ به طوری که برای رشد فرهنگ محکم که تجلی کامل اسلام ناب است، مانعی شده است. طرفداران رویکرد کتمانی با معرفی داعش، به منزله نماد اسلام ناب، و بازتاب جنایت‌های این گروهک تروریستی، اسلام‌هراسی را در بسیاری از کشورهای اروپایی به یک باور تبدیل کرده‌اند. اثرات این فرهنگ و رویکرد، محدود به بیرون از مرزهای جغرافیایی ایران نبوده، بلکه در داخل کشور نیز جریان نفوذ، زمینه‌یأس و ناامیدی عده‌ای از حکومت دینی و دین‌داران را فراهم کرده است.

۱. ر. ک. مقاله بازتاب فطرت در نظریه فرهنگی آیت‌الله جوادی آملی، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ش ۳۰.

در برابر این رویکرد کتمانی، فرهنگ محکم - که فرهنگی فراتر از افق معرفت مفهومی بشر است - از همان ابتدا، رویکردی را اتخاذ می‌کند که اگر مسلمانان پایبند به آن و عامل به شاخص‌های آن باشند، علاوه بر خنثی‌سازی تأثیرات مخرب رویکرد قبلی، سبب رشد و شکوفایی اسلام و جهانی شدن آن در اقصی نقاط جهان خواهند شد. این رویکرد که رهبر معظم انقلاب نیز به درستی در این سال‌ها بر روی آن تأکید می‌کنند، رویکرد تبیین است. هر چند به خاطر ضرورتی که امروزه این رویکرد پیدا کرده است، با واژه مقدس دیگری ترکیب شده و مضاف‌الیه مفهوم جهاد قرار گرفته است (جهاد تبیین) و از سوی رهبر معظم انقلاب فریضه‌ای برای همه مسلمانان به شمار می‌رود؛ اما این رویکرد منشأ قرآنی و تاریخی دارد. این پژوهش فارغ از مضاف‌الیه بودن این واژه، درصدد کشف معنای قرآنی تبیین و چگونگی و چرایی مطرح شدن آن از منظر قرآن است؛ به عبارت دیگر، این پژوهش درصدد پاسخ به سؤال چیستی و چگونگی تبیین در قرآن است. برای پاسخ به این سؤال‌ها ابتدا با رویکرد معناشناختی و زبان‌شناسی، واژه تبیین و مشتقات فعلی آن در قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس با کشف معنای تبیین در قرآن با استفاده از روش هم‌نشینی و جانشینی به چگونگی مطرح شدن آن در قرآن و صورت‌بندی میدان‌های معناشناختی آن پرداخته می‌شود و بعد، مصداق میدان‌های معنایی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. روش‌شناسی پژوهش

چنان که گذشت، در این پژوهش از دو روش ترکیبی استفاده شده است: روش معناشناسی و روش تحلیل و استنباط. در این بخش به اختصار هر یک از این روش‌ها تبیین و کاربرد آن‌ها در پژوهش روشن می‌شود. معناشناسی را دانش معنا نامیده‌اند؛ یعنی دانشی که معنا را به طور علمی بررسی می‌کند. مراد از معناشناسی در این پژوهش، معناشناسی زبانی است (قائمی‌نیا، ۱۳۹۹: ۱۴)؛ یعنی دانشی که معنای تبیین را در زبان قرآن بررسی می‌کند. یک زبان دارای واحدهای مختلفی همچون واژه، عبارت، جملات و متن است. در معناشناسی زبانی از تمام این واحدها و سطوح بحث می‌شود. در این نوع معناشناسی، پیش فرض‌های پژوهشگر دخالتی در معنا ندارد؛ بلکه ادعای زبان‌شناسان و معناشناسان به صورت دقیق

موردبررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد (همان). یکی از ویژگی‌های مهم زبان‌شناسی ساختارگرا، توجه به روابط درون زبان است. سوسور قائل بود که در زبان دو نوع رابطه وجود دارد: رابطه هم‌نشینی و رابطه جانشینی (بی‌روش، ۱۳۷۰: ۳۳-۳۰)؛ به عبارت دیگر، از نظر او معنای هر واحد زبانی از طریق روابط و نسبت درونی زبان و تفاوت‌ها و تمایزهای شناخته‌شده میان واژگان در دو محور هم‌نشینی و جانشینی، قابل کشف است. محور هم‌نشینی در اصل، ترکیب این با آن است و محور جانشینی، گزینش این یا آن. روابط هم‌نشینی دست‌کم در چهار مورد تأثیر می‌گذارند: پدید آمدن معنای مجازی، کاهش معنا، افزایش معنا و کشف قرائن (قائمی‌نیا، ۱۳۹۹: ۶۱). در این پژوهش به علت زیادی آیات تبیین فقط به رابطه هم‌نشینی پرداخته شده و از همین طریق، میدان‌های معنایی تبیین صورت‌بندی شده است.

روش دیگری که در تحلیل متون از آن استفاده خواهد شد، روش استنتاجی است؛ روشی که بیشتر در مواجهه با متن قرآن از آن استفاده می‌شود و در حوزه قرآنی از آن با عنوان تفسیر موضوعی یاد می‌شود. مقصود از استنتاج، به مثابه اصطلاح روش‌شناختی، عبارت است از: «پرسش نهادن پیش روی متن و پاسخ گرفتن از آن است، به سخن درآوردن متن درباره موقعیت‌ها، دیدگاه‌ها و مسائلی که مستقیماً در خود متن مطرح نشده‌اند و متن به طبع اولیه و برحسب محتوای مطابقی و مضمون درونی خویش، به آن مسائل و موضوعات پرداخته و در پاسخ به آن پرسش‌ها و دغدغه‌ها و مسائل القا و ارائه نشده است» (واعظی، ۱۳۹۰: ۲۹۵)

در اندیشه شهید صدر که مبدع این روش به صورت علمی است، هدف پژوهشگر به دست آوردن مفاد فردی آیات نیست؛ بلکه دست‌یابی به نظریه قرآن کریم درباره یک موضوع یا مسئله است؛ از این رو، در این‌گونه تفسیر حرکت از مسئله و واقعیت خارجی آغاز می‌شود و به قرآن خاتمه می‌یابد (صدر، ۱۳۸۱: ۲۳). شهید صدر از این روش، با عنوان روش تفسیری پیوسته و استنتاجی یاد می‌کند. ایشان میان تفسیر موضوعی و ترتیبی تفاوت قائل می‌شود. در تفسیر موضوعی مفسر نقش برجسته و فعالی دارد و روی یک مسئله خاص متمرکز است؛ برخلاف تفسیر ترتیبی که مفسر فقط شنونده و منفعل است و تمرکزش روی یک موضوع نیست؛ بنابراین، روش استنتاج در اندیشه شهید صدر دو رکن دارد: بیرونی و درونی. اولین

گام یا رکن بیرونی در این روش، کشف مسئله و طرح سؤالی است که باید بر متن عرضه شود. رکن دیگر، جوابی است که از قرآن گرفته می‌شود؛ به عبارت دیگر، قرآن کریم رکن درونی در تفسیر موضوعی است. به عقیده ایشان، این روش جوششی دارد که می‌تواند تمام سؤالات بشری را پاسخ گوید. در این پژوهش پس از کشف میدان‌های معنایی تبیین، به تحلیل و استنتاج آیات مرتبط پرداخته می‌شود.

۲. معناسناسی تبیین

۲-۱. معنای اساسی تبیین

معنای اساسی و پایه یک کلمه، همان معنای ذاتی و درونی خود کلمه است که در هر جایی قرار بگیرد آن معنای ذاتی را با خود حمل می‌کند (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۱۵-۱۴). گاهی اوقات برای موشکافی واژه‌ای باید از زبان‌های سامی نیز کمک گرفته شود؛ این امر در درک عمیق‌تر مؤلفه‌های معنایی تأثیر بسزایی دارد. زبان‌های عبری، عربی، آرامی و سریانی زبان‌های همسویی هستند و معنایی که ذیل یک واژه در این زبان‌ها استفاده می‌شود، از نظر معنایی به هم مرتبط‌اند (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۱۶۲). با مراجعه به منابع این زبان‌ها، بان (بین) به معنای جدا کردن و آشکار شدن (to separate, to be distinct. Heb. BYN) و به معنای تشخیص دادن (Discern.syr. bayen) و نیز به معنای دانسته و مشخص ساختن (to make understand آمده است (مشکور، ۱۳۵۷، ج اول: ۹۳). تبیین نیز به معنای آشکارا شدن (to be revealed) آمده است. (همان: ۹۴). صاحب التحقیق می‌نویسد: «معنای حقیقی واژه بین، آشکار شدن و روشن کردن بعد از ابهام و اجمال است که این آشکار شدن و روشنگری به واسطه جدا کردن صورت می‌گیرد (مصطفوی، ۲۰۰۹، ج اول: ۳۹۵). می‌توان گفت واژه بین، صرف جدا کردن و آشکار کردن نیست؛ بلکه جدا کردن و آشکار کردن است که در آن تشخیص و آگاهی وجود داشته باشد. مترادفات واژه بین عبارت از واژه‌های أَوْصَحَ، فَسَّرَ، أَظْهَرَ، فَصَّلَ، شَرَحَ، لَخَّصَ، كَشَفَ، أَعْلَنَ وَ أَبَانَ است (اسماعیلی صینی، ۱۴۱۴: ۲۱).

۲-۲. معنای نسبی تبیین

معنای نسبی معنایی است که در نتیجه پیدا شدن وضع خاصی برای کلمه در زمینه‌ای خاص،

به معنای اساسی پیوسته و افزوده می‌شود و در نظام تازه نسبت به کلمات مهم دیگر، نسبت‌ها و روابط گوناگون پیدا می‌کند (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۱۵). از آنجاکه این واژه معنای جدا کردن (فصل) و متمایز کردن (تمییز) دارد، به معنای روشن بودن (وضوح) و آشکار کردن (ظهور) نیز آمده است؛ زیرا آن چیزی که جدا شده و تمیز داده شده نگاه‌ها را به خود جلب می‌کند و همین معنای روشن بودن و آشکار شدن در تمام واژه‌های مشتق تبیین در قرآن لحاظ شده است (حسن جبل، ۲۰۱۰: ۱۸۲). شاید از همین رو باشد که بینه را به معنای دلالت روشن عقلی یا حسی می‌گیرند: «الْبَيِّنَةُ: الدلالة الواضحة عقلية كانت أو محسوسة» و شاهدان یک حادثه را نیز بینه می‌نامند: «و سَمِيَ الشَّاهِدَانِ بَيِّنَةً» (راغب، ۲۰۰۹: ۱۸۹). معنای تبیین، به مثابه یک واژه قرآنی، باید همچون هر اصطلاح قرآنی دیگر، در قرآن بررسی شود تا از معنای استعمالی آن در دوره‌های مختلف با رویکردهای متفاوت و مغایر قرآنی احتراز شود. این واژه در دوره‌های مختلف، گاهی در مقابل مُجْمَل و به معنای رفع اجمال و گاهی در مقابل مبهم و به معنای تفسیر و رفع ابهام استعمال شده است (سیوطی، ۱۴۲۲: ۶۹۹)؛ ولی در قرآن در نقطه مقابل کتمان به کار رفته است و به معنای بیان روشن، روشنگری و آشکارسازی است.

۲-۳. کاربرد واژه تبیین در قرآن

ثلاثی مجرد این واژه، بان-بیانا به معنای آشکار شد (ظهر) و روشن شد (اتضح) آمده است (ابراهیم مصطفی و دیگران، بی تا: ۸۰-۱). قرآن بیان را موهبتی الهی برای بشر دانسته که از سوی خدا به او آموخته شده است. خلقت انسان که بار خلافت خداوند را در همه هستی بر دوش می‌کشد با تعلیم بیان به او در کنار هم قرار گرفته است: «خلق الانسان * علمه البيان / الرحمن ۴-۳» (خاقانی، ۱۳۹۳: ۱۸). مصدر این فعل سه بار در قرآن به کار رفته است و نیز بینه و جمع آن بینات، به معنای حجت آشکار، ۷۲ مرتبه در قرآن استفاده شده است (خاکپور و معارف، ۱۳۹۰: ۸۸). اما این واژه از باب تفعیل با صیغه‌های ماضی و مضارع و مصدر، اسم فاعل و... کاربرد و اهمیت ویژه‌ای دارد. در بیش از هشتاد درصد از موارد در این باب، فاعل تبیین خود خداوند است. بر همین اساس، می‌توان گفت تبیین، به مثابه یک اصطلاح قرآنی

خاص، در بیشتر موارد به معنای بیان روشن، آشکار و بی ابهام آیات قرآن از سوی خداوند است. در واقع، متضمن معنای بان و تبیین است (ابن منظور، بی تا: ۱۳). در دیگر موارد استعمال نیز فقط فاعل و متعلق تبیین تغییر کرده است، نه معنا و مفهوم آن (خاکپور و معارف، ۱۳۹۰: ۹۰). مبین و مبینات هر کدام سه مرتبه در قرآن به کار رفته‌اند که در همه آن‌ها به معنای آشکار و وضوح و بی ابهام هستند. مصدر تبیان نیز به همین معنای روشنگری به کار می‌رود.

این واژه از باب تَعَلَّل ۱۸ مرتبه در قرآن به کار رفته که در همه آن‌ها به معنای معلوم و مشخص کردن و شدن است. اما از باب افعال و استفعال که از هر یک به صورت فعلی یک مرتبه به معنای آشکار کردن و آشکار شدن به کار رفته است و به صورت اسم فاعل از باب افعال، مبین ۱۱۷ مرتبه به معنای روشن و روشنگر استعمال شده است (زبیدی، بی تا: ۲۹۸). از مجموع آنچه بیان شد می‌توان این گونه نتیجه گرفت که در زبان عربی، فعل تبیین بیش از آن که به معنای توضیح و تفسیر باشد، به معنای بیان روشن، آشکار و بی ابهام به کار رفته است (خاکپور و معارف، ۱۳۹۰: ۹۲).

در مواردی که در قرآن فاعل تبیین پیامبر اکرم ﷺ است، نیز تبیین به معنای تفسیر و توضیح نیست؛ بلکه به معنای آشکار کردن است؛ مثل آیاتی که خطاب به اهل کتاب می‌فرماید (مائده/۱۵) که آنچه شما مخفی می‌کردید، پیامبر ﷺ آن‌ها را تبیین کرد؛ یعنی از مخفی بودن به حالت آشکار درآورد در اینجا تفسیر و توضیح آیات مخفی معنایی ندارد، بلکه به معنای روشنگری و بیان آشکار است.

خاکپور و معارف پس از بررسی معنانشناسی واژه تبیین این گونه نتیجه‌گیری می‌کنند که این واژه در قرآن به معنای تفسیر و توضیح استعمال نشده است، بلکه از نظر معنایی نزدیک به اصطلاح قرآنی البلاغ المبین است. آن‌ها این واژه را در نقطه مقابل واژه کتمان قرار می‌دهند و حمل این واژه به معنای غیر بیان آشکار را نیازمند ادله متقن می‌دانند.

۲-۴. مشتقات فعلی تبیین در قرآن

ساختار فعلی تبیین در قرآن ۳۴ مورد است که در جدول زیر به صورت تفکیکی و فراوانی تبیین می‌شود. برای پرهیز از اطاله کلام، فقط به واژه و آدرس سوره و آیه بسنده می‌شود.

واژه‌ها	فراوانی	سوره‌ها و آیه‌ها
يَبِينُ	۱۳	بقره/۲۲، ۱۸۷، ۲۱۹، ۲۴۲ و ۲۶۶؛ نور/۵۸، ۵۹ و ۶۱؛ نساء/۱۷۶؛ آل عمران/۱۰۳؛ مائده/۱۵، ۱۹ و ۸۹؛ توبه/۱۱۵
يَتَّبِعِينَ	۲	فصلت/۵۳؛ توبه/۴۳
تَّبِيْنٌ	۱۱	بقره/۱۰۹، ۲۵۶ و ۲۵۹؛ نساء/۱۱۵؛ انفال/۶؛ توبه/۱۱۳ و ۱۱۴؛ عنکبوت/۳۸؛ محمد/۲۵ و ۳۲؛ ابراهیم/۴۵
لِتَّبِيْنَ	۲	نحل/۴۴ و ۶۴
تَّبِيْنُوْا	۲	حجرات/۶؛ نساء/۹۴
يَبِيْنًا	۳	بقره/۱۱۸؛ آل عمران/۱۱۸؛ حدید/۱۷
لِتَّبِيْنَنَّهُ	۱	آل عمران/۱۸۷

۳. میدان‌های معنایی تبیین

به مجموعه‌ای از مفاهیم که باهم بر محور یک مفهوم یا عنوان کلی ارتباط دارند، میدان یا حوزه معنایی اطلاق می‌شود (قائمی‌نیا، ۱۳۹۹، ج ۲: ۲۱). در این بخش به بررسی مهم‌ترین هم‌نشین‌های واژه تبیین و مشتقات آن پرداخته می‌شود. هم‌نشین‌های تبیین واژه‌هایی هستند که با واقع شدن در کنار تبیین، بُعدی از ابعاد تبیین را روشن می‌سازند؛ به عبارت بهتر، معنای تبیین از طریق واژه‌های هم‌نشین روشن می‌شود. رابطه هم‌نشینی چگونگی قرار گرفتن عناصر در کنارهم و فرایند انتقال معنا را بررسی می‌کند. واژه‌ها از طریق رابطه هم‌نشینی می‌توانند معانی خاص به‌خود بگیرند؛ بنابراین، تشخیص معنای واژه از طریق معنی واژه‌های هم‌نشین صورت می‌گیرد (پالمر، ۱۳۹۱: ۱۶۱)؛ به عبارت دیگر، واژه‌های قرآنی در یک آیه، نسبت به همدیگر می‌توانند رابطه‌ای هماهنگ داشته باشند؛ به گونه‌ای که اگر واژه‌ها را در محور افقی در نظر بگیریم، از ارجاع بخشی به بخش دیگر در همان آیه می‌توان معنای واژه را به دست آورد؛ به این روش، رابطه هم‌نشینی گفته می‌شود (مرسلی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۶۰). جدول زیر هم‌نشین‌ها و میدان‌های معنایی تبیین را نشان می‌دهد:

جدول ۱: صورت‌بندی میدان‌های معنایی تبیین

واژه‌های هم‌نشین	فراوانی	واژه‌های هم‌نشین	فراوانی
آیات	۱۳	عدو لله	۱
حق	۳	اصحاب الجحیم	۱
هدی	۳	صادقین و کاذبین	۱
رشد و غی	۱	کتاب	۱
ما تخفون	۱	من مساکنهم	۱
ما یتقون	۱	کیف فعلنا	۱
ما نُزل	۱	ننشها	۱

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با تأمل در آیات فوق و ترکیب موضوعی برخی از آن‌ها با برخی دیگر، می‌توان محور آیات تبیین را در ۴ حوزه معنایی صورت‌بندی کرد: آیت‌شناسی، دشمن‌شناسی، حق و حقیقت‌شناسی، و راه و راهنماشناسی. در ادامه، هر یک از آن‌ها تشریح می‌شود.

۳-۱. آیت‌شناسی

بیشتر معلومات انسان از راه همین شناخت آیه‌ای صورت می‌گیرد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۳: ۴۲۸). شناخت آیه‌ای در اینجا به این معناست که مصادیق این آیات را به‌گونه‌ای انسان درک کند که انگار آن‌ها عین ظهور و تجلی ذات حق‌اند. به عبارت دیگر، در آیت‌شناسی آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد، مبدأ آیه و نشانه است؛ یعنی خدا در تمام مصادیق آیات تبیین در قرآن نشان داده می‌شود؛ زیرا به تعبیر شهید مطهری مطالعه طبیعت، به منزله آیه‌ها و نشانه‌ها، به معنی عبور دادن از طبیعت به ماورای طبیعت است. از نظر قرآن، راه غیب از شهادت، و راه ماورای طبیعت از طبیعت، و راه معقول از محسوس می‌گذرد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۰۷). برخلاف روشنگری مدرن که اومانیسیم را به جای خدا قرار داد و واقعیت‌های اجتماعی را با فهم بشری معنا کرد، روشنگری دینی باید با ابتنا به هستی و خدا انجام گیرد. آیاتی که در آن‌ها محور تبیین، واژه‌های آیات، کتاب، ما نُزل، کیف فعلنا، مساکنهم و نشن‌ها بود، ذیل عنوان آیت‌شناسی صورت‌بندی می‌شوند؛ زیرا همه آن‌ها درصدد بیان آیات [قرآن] و نشانه‌های [قدرت] الهی هستند.

بیشترین فراوانی در محور تبیین، ناظر به واژه آیات است که ۱۳ مورد است. تبیین آیات در این موارد صرفاً به معنای روشن کردن مفاهیم آیات و بیان آشکار آیات قرآن نیست، بلکه با تأمل در معنای هر آیه، واژه آیات مصادیق فراوانی پیدا می‌کند. ازدواج، مراعات حقوق زن، آموزش کودکان، سبک زندگی، انفاق، پرهیز از کبر، پایبندی به عقود و پیمان‌ها، تمسک به حبل‌الله و پرهیز از تفرقه، توجه به حقوق خانواده و ارتباطات خویشاوندی، همراز نشدن با دشمنان، توجه نکردن به حرف‌های دشمنان و... از جمله مصادیق آیات الهی بیان شده است که نیاز به روشن‌نگری و تبیین دارند. خداوند در این آیات پس از بیان این موارد، آن‌ها را مصداق روشن‌نگری خویش می‌داند: «كذلك يبين الله» که در ادامه به هریک اشاره می‌شود. با تأمل در این مصادیق می‌توان گفت مسائل و روابط خانواده و روابط اجتماعی از مهم‌ترین مواردی است که به‌مثابه آیات الهی در نظر گرفته شده است؛ از این رو، باید مبدأییت خدا و چارچوب تعیین‌شده از سوی خدا در آن‌ها لحاظ شد.

۱-۱-۳. تبیین آیه‌ای روابط خانوادگی

خانواده یکی از مصادیق پرتراکم تبیین آیات در قرآن است که این امر نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه ویژه آن در اسلام است. خانواده همچون آینه‌ای عناصر اصلی جامعه را در بردارد و نیز انعکاس نابسامانی‌های اجتماعی است. می‌توان گفت جامعه سالم فقط در پرتو خانواده سالم ممکن است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۳۶). در نگاه قرآنی، اعضای خانواده نسبت به هم (متناسب با نوع نسبت و ارتباط) مسئولیت‌های اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و دینی دارند که تبیین قدسی و الهی آن‌ها به منزله نشانه در نظر گرفته شده است. در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۲-۱-۳. ازدواج مؤمنانه

وَلَا تَنْكُحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ وَلَا مَآءَةً مُّؤْمِنَةً خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا أَعْرَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكَحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَا عَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا أَعْرَبَتْكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (البقره/۲۲).

یکی از محورهای توصیه رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، سبک زندگی است. ایشان تلاش غرب برای ترویج سبک زندگی غربی در ایران را از زیان‌های غیرقابل جبران می‌دانند و خسارت‌های آن در حوزه اخلاق، سیاست، دین و اقتصاد را یادآور می‌شوند (بیانیه گام دوم انقلاب: ۴۷). یکی از مواردی که غرب تلاش می‌کند تا فرهنگ خود را در حوزه سبک زندگی غلبه دهد، مسئله ازدواج است. آن‌ها تلاش می‌کنند که چارچوب‌های دینی در این مسئله را بشکنند و آن را در حد یک قرارداد معمولی بانام‌های مختلفی همچون ازدواج سفید و... تنزل دهند. در این آیه شریفه، خداوند با تعیین چارچوبی برای این امر مهم، آن را مصداق و نشانه خود برای مردم می‌داند؛ بنابراین، آنچه در مسئله ازدواج مهم است، ایمان زوج و زوجه است؛ نه زیبایی، ثروت، تحصیلات و...؛ از همین رو، از ازدواج با انسان‌های مشرک منع می‌کند و هشدار می‌دهد که مراقب باشید جلوه‌های بصری مشرکین و پیشرفت آن‌ها شما را فریفته ارتباط نکند. مشرکین با این جلوه‌گری‌ها و از طریق ازدواج، شما را به آتش و جهنم فرامی‌خوانند. این روشنگری و اتمام حجت خدا درباره مسئله ازدواج برای همه مردم است.

۳-۱-۳. سبک زندگی خویشاوندی

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتْكُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ بَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (النور/۶۱).

بخشی از روشنگری و تبیین باید ناظر به مسائل خانوادگی و چگونگی کنشگری با خویشان و افراد ناتوان و مریض باشد؛ یعنی تبیین صرفاً در حوزه مسائل سیاسی و اقتصادی نیست؛ بلکه توجه به ارتباطات خانوادگی نیز مصداق روشنگری است. در تبیین سبک زندگی توجه به مسئله خوردن و آشامیدن (طعام) مهم است، پاک و حلال بودن آن و اینکه برای چه کسی است، باید مدنظر باشد. این گونه سبک زندگی و کنشگری‌ها برای عقلانی کردن مردم است.

۳-۱-۴. حریم خصوصی خانواده

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (النور/۵۹).

تبیین در خصوص سبک زندگی دینی، باید از درون خانواده و اطرافیان شروع شود. حریم خصوصی والدین در خانواده، در بازه‌های مختلف زمانی، باید حفظ شود و این جز با آموزش از سوی والدین میسر نخواهد بود. در تبیین سطوح مختلف جامعه باید در نظر گرفته شود؛ از جمله برای کودکان و نوجوانانی که وارد دوره بلوغ می‌شوند باید برنامه‌های آموزشی درباره سبک زندگی خانوادگی مثل اذن ورود و ادب تعامل با والدین ارائه شود. قرآن این آموزش‌ها را روشن‌گری می‌نامد.

۳-۱-۵. توجه به حدود الهی در خانواده

أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (بقره / ۱۸۷).

در روشن‌گری در عرصه سبک زندگی، توجه به مسائل جنسی اهمیت دارد. چنانچه محدودیت‌های اجتماعی برای تأمین این نیاز زیاد شود، آسیب‌های اخلاقی و خیانت دامنگیر جامعه می‌شود. برای پیشگیری از وقوع این آسیب‌ها، حدود الهی درباره این مسئله و سبک مواجهه زوجین باید تبیین گردد تا سبب پرهیزکاری اعضای جامعه شود.

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يَفْتِيكُمْ فِي الْكِلَالَةِ إِنَّ امْرُؤًا هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهِيَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضَلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (النساء / ۱۷۶).

در سبک زندگی دینی، توجه به مسائل اقتصادی و خانوادگی (ارث کلاله) لازم است و نخبگان جامعه باید مبتنی بر اندیشه توحیدی درباره آن‌ها روشن‌گری کنند. این روشن‌گری از آسیب‌های اجتماعی و گمراهی جلوگیری می‌کند.

۳-۱-۶. توجه به خویشان ضعیف

أَيُّودُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضَعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (البقره / ۲۱۹).

در تبیین، نعمت‌های الهی بر جامعه و خانواده در نظر گرفته شود و اطرافیان، به ویژه ضعفای خویشان، چه به لحاظ دانشی و چه مالی و... در بهره‌مندی از این نعمت‌ها در اولویت باشند. چنانچه ضعیفا نادیده گرفته شوند، آتش طغیان آن‌ها همه نعمت‌های الهی را خواهد سوزاند. باید از کبر و خودبزرگی بینی در برابر نعمت‌های الهی پرهیز شود تا از چنین عقوبتی در امان بود؛ این‌گونه سبک زندگی را باید در قالب رسانه‌های تصویری برای مردم تبیین کرد.

۳-۱-۷. سبک جدایی

لِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (البقره / ۲۴۲)

یکی از موارد تبیین در قرآن در حوزه خانواده و سبک زندگی، مسئله طلاق است. چنانچه زندگی کردن برای زوجین سخت شد و به مرحله طلاق و جدایی رسید، سبک جدایی از منظر قرآن ستودنی است. قرآن پیشنهاد می‌کند در جدایی با هدیه از آن‌ها جدا شوید. این نوع مواجهه برای انسان‌های پرهیزکار بی‌نظیر است. البته این سبک مواجهه، با جشن طلاقی که مدتی است در جامعه ما نیز رایج شده، متفاوت است.

۳-۱-۸. تبیین آیه‌ای روابط اجتماعی

بخش زیادی از ارتباطات انسان در جامعه با افراد غیرخویشاوند صورت می‌گیرد. طبیعی است افراد در جامعه براساس فرهنگ و سبک زندگی حاکم بر آن جامعه با همدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. آنچه آیات قرآن کریم به دنبال محقق کردن آن است، فرهنگ محکم است که با حضور خدا در تمام سطوح فرهنگی و ارتباطی شکل می‌گیرد.

۳-۱-۹. تمسک به حبل الهی و پرهیز از تفرقه

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران/۱۰۳).

سبک زندگی دینی در ارتباطات اجتماعی باید مبتنی بر تمسک به حبل الهی باشد؛ یعنی تمام ارتباطات باید در چارچوب شریعت و دین و بر اساس محوریت الهی باشد؛ از این رو، برساخته‌های بشری جایگاهی ندارند؛ زیرا براساس منافع افراد تدوین می‌شوند و قطعاً اختلاف در منافع سبب اختلاف در تدوین چارچوب خواهد بود؛ از این رو، برای پرهیز از مسائل تفرقه‌انگیز باید به ریسمان الهی یعنی دین تمسک کرد. در غیر این صورت، دشمنان اسلام از طرق مختلف، گسست اجتماعی جامعه مؤمنین را دنبال می‌کنند.

بیان نعمت‌های الهی که نصیب جامعه و افراد شده، سبب اتحاد و تألیف قلوب می‌شود؛ از این رو، بخشی از تبیین باید ناظر به همین مطلب باشد. در روشنگری وضعیت موجود - که مبتنی بر حرکت روی لبه آتش و احتمال سقوط است - باید تبیین گردد. تبیین وضع موجود نیز باید ناظر به هدایت باشد؛ یعنی صرفاً توصیف وضعیت نباشد، بلکه باید نسخه‌های بخشی نیز به دنبال داشته باشد تا بتواند انسان‌هایی که روی لبه آتش حرکت می‌کنند را راهنمایی کند. با این تبیین می‌توان دشمن را به دوست تبدیل کرد و از لبه آتش جنگ، کینه، فتنه و... دور شد.

۳-۱-۱۰. پایبندی به عقود و پیمان‌ها و قسم‌ها

لَا يُوَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْاَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (مائده/۸۹).

یکی از مسائلی که قرآن در صدد روشنگری و تبیین آن است، مسئله پایبندی به عقود و قسم‌ها و قراردادهای... است. اگر در روابط اجتماعی پایبندی به این امور نباشد، سنگ‌روی سنگ بند نمی‌شود؛ از این رو، پایبندی به آنچه بیان می‌شود لازم است و اگر کسی با اراده جلدی قراردادی بست و قسم به پایبندی آن داشت و برخلاف اراده و قسم عمل کرد،

باید براساس وضعیت اقتصادی و سلامت جسمی کفاره پرداخت کند. همه این برنامه‌ها برای این است که انسان‌ها در روابط اجتماعی، پایبند به تعهداتشان باشند.

۳-۲. حق‌شناسی

عمده‌ترین اهداف انبیای الهی تبیین حق و حقیقت است؛ زیرا آن چیزی که موجب می‌شود بسیاری از انسان‌ها گمراه شوند، عدم شناخت حقیقت است. اگرچه برخی‌ها نیز با شناخت حقیقت نیز آن را انکار می‌کنند، اما آنچه منشأ بسیاری از انحراف‌ها است، ندانستن حقیقت است و انبیای الهی برای تبیین چنین امر مهمی ارسال شده‌اند. در این بخش به تبیین واژه‌های حق و ما تخفون پرداخته می‌شود.

یکی از محورهای اساسی تبیین در قرآن که روابط هم‌نشینی با این واژه را نیز دارد، واژه و مفهوم حق است. در قرآن کریم تبیین با محوریت واژه حق، سه مورد است که در ادامه هر یک از آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۲-۱. شناخت حقانیت الهی

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (فصلت/۵۳).

براساس روابط هم‌نشینی در این آیه، تبیین ناظر به حقانیت خداوند است و جلوه‌های حق را باید در آیات آفاقی و انفسی برای مردم تبیین کرد؛ زیرا استفاده از نشانه‌های آفاقی و انفسی همیشه مؤثر است. براساس این آیه شریفه، سراسر خلقت این عالم نشانه‌هایی برای کشف حقیقت است. آفاق به جهان بیرونی انسان و انفس به جهان درونی انسان اطلاق می‌شود. برای تبیین و کشف حقیقت کافی است در هر دو تأمل کنیم تا شهادت خدا را درک کنیم.

۳-۲-۲. مجادله درباره حق

يَجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ (انفال/۶).

براساس این آیه شریفه، مجادله درباره حق بعد از تبیین هم وجود دارد. برخی از مؤمنین (افراد سست‌ایمان) به مجادله درباره حق می‌پردازند. از نظر علامه طباطبایی، منظور از کلمه

حق در اینجا مقابل باطل است و آن عبارت است از: امر ثابتی که آثار واقعی مطلوبش بر آن مترتب شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۳). امروز نیز برخی از افراد با اینکه حق برایشان روشن است، با ولی فقیه مجادله می‌کنند و سخنان او را براساس منافع خود تفسیر می‌کنند؛ در صورتی که براساس این آیات، نباید با وجود روشننگری به مجادله پرداخت؛ زیرا مجادله درباره حق پس از روشننگری؛ به مثابه رفتن به سوی مرگ و نابودی است. إعراض از حق و مجادله درباره آن یعنی توجه به هواهای نفسانی، چنین شخصی به استدلال و سخن علمی هم اعتماد نمی‌کند. اگر حجت یا آیه‌ای از سوی خدا هم نازل شود، آن را انکار و یا درباره آن مجادله می‌کند. سبب چنین واکنشی براساس آیات قرآن، کبر و خودبزرگ‌بینی افراد است.

۳-۲-۳. حق‌پذیری و غفلت

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُّوْكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بقره/۱۰).

در این آیه نیز تبیین ناظر به حق است؛ حقی که برابر باطل است؛ از این رو، بعد از روشننگری نیز نباید از برنامه‌های دشمن غافل شد؛ زیرا حسادت دشمنان بعد از روشننگری هم ادامه دارد. آن‌ها تلاش می‌کنند تا مؤمنین را از حق روی گردان کنند و به حالت کفر در بیاورند. این جزو نقشه‌های دشمنان است و مؤمنین نباید از این مسئله غافل شوند. هر چند اگر ایمان حقیقی باشد، بعد از روشننگری تزلزل پیش نمی‌آید و خداوند به وعده‌های خودش پایبند است. اما نباید چشم‌پسته به وعده‌های دشمن اعتماد کرد؛ بلکه با بصیرت تمام باید با دشمن مدارا کرد. این مدارا نباید به یک اصل دائمی تبدیل شود؛ بلکه یک راهبرد موقت برای آزمون دشمن است. به تعبیر علامه، جمله اخیر آیه (حتی‌ی‌آتی‌الله‌ب‌آمره) دلیل قاطعی است بر اینکه مصلحتِ عفو و بخشش موقتی است، نه دائمی (ملکیان، ۱۳۸۸: ۷۸).

۳-۲-۴. تبیین موارد پنهان و تحریف

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ (مائده/۱۵).

این آیه شریفه تبیین را ناظر به چیزهایی که مستور و مخفی است، مطرح می‌کند؛ یعنی برخی از حقایق هستند که دشمنان به‌خاطر موقعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود آن‌ها را مخفی می‌کنند. این آیه شریفه می‌فرماید که ما فرستادگان خود را برای تبیین آن حقایق مخفی ارسال کردیم. آن‌ها مثل نور، شما را از ظلمت جهل و پنهان‌کاری و تحریف بیرون می‌آورند.

نخبگان یک جامعه نیز باید مواردی که دشمنان پنهان و یا تحریف می‌کنند، با زبان گویا تبیین کنند. امروزه دشمنان، عدالت، آزادی، استقلال و... را -که از آرمان‌های اسلام است- براساس موقعیت رسانه‌ای خود تفسیر و تبیین می‌کنند. در برابر آن‌ها، بر نخبگان جامعه است که حقایق را تبیین کنند؛ زیرا قرآن کریم بیشترین نقش کتمان و تحریف حقایق را به دانشمندان اهل کتاب و به‌ویژه یهود نسبت می‌دهد. آن‌ها از طریق کتاب‌های آسمانی خود به حقایق آشنا بودند، ولی برای پیشگیری از رشد اسلام، حقایق را کتمان کردند. هرچند روی سخن بیشتر آیات با علمای اهل کتاب است، ولی حکم آن برای همه کتمان‌کنندگان حق و حقیقت، در هر زمانی ساری و جاری می‌شود. چه بسیار دانشمندانی که به‌خاطر منافع خود دست به کتمان حقایق می‌زنند و به مردم اخبار نادرست می‌دهند و یا به آن‌ها واقعیت‌ها را نمی‌گویند (آخوندی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲-۵۹). پس کتمان حق از سوی آگاهان صورت می‌گیرد. آن‌ها با زیرپا گذاشتن وظیفه خود، یعنی آشکار کردن حقایق و بیدار کردن مردم، حقیقت را می‌پوشانند. این کتمان به گونه‌های مختلفی انجام می‌گیرد؛ گاه با بدعت و نوآوری، گاه با سکوت و مخفی کردن حقایق، گاه با سرگرم کردن مردم به امور جزئی، گاهی با سانسور کردن، گاه با تجزیه و تحلیل‌های نادرست و گاه با آمیختن حق با باطل (همان: ۶۳). براساس آیه شریفه، خداوند از دانشمندان عهد گرفته است که برای مردم روشنگری کنند: *وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَسَسَ مَا يَشْتَرُونَ (آل عمران/ ۱۸۷)*. روشنگری ناظر به کتاب خداست؛ یعنی پیام‌های الهی را باید برای مردم تبیین کرد و از هرگونه مخفی‌کاری یا تغییر حقایق دوری کرد؛ از این‌رو، کتمان کردن حقایق با عهد و میثاق سازگار نیست؛ زیرا کتمان کردن حقایق، یا از روی ترس است یا طمع

دنیوی به مال و مقام و... و این، با عهد تبیین سازگاری ندارد؛ بنابراین، دنیاگرایی سبب کتمان حقایق و عدم روشنگری می‌شود و نخبگان جامعه و به‌ویژه کسانی که پیام‌های الهی را به مردم می‌رسانند، باید تلاش کنند تا حقایق، بدون کم‌وکاست در اختیار مردم قرار گیرد. در منظومه فکری مقام معظم رهبری بدون تبیین حقیقت، افکار عمومی در ظلمت و فضای غبارآلود خواهد ماند (۱۳۸۲/۴/۷). تبیین نوری است که انسان‌ها را از ظلمت خارج می‌کند و روایت دشمن از حق را بر ملا می‌کند. تبیین‌های دروغ و خلاف واقع، تحریف حقایق هستند که سعی دارند وضعیت طاغوتی و غیرالهی را تطهیر کنند؛ بنابراین، باید حقایق را با منطق قوی و عقلانیت کامل و با استفاده از اخلاق تبیین کرد. بر همین اساس، مقام معظم رهبری یکی از وظایف مهم نخبگان و خواص جامعه را تبیین حقایق بدون تعصب می‌داند و بر این باورند که خواص نقش مهمی در تبیین حقایق در طول تاریخ داشته‌اند. در جنگ صفین نیز یکی از کارهای اساسی و مهم جناب عمار یاسر تبیین حقیقت بود (۱۳۸۸/۵/۵)؛ زیرا اگر تبیین حق از سوی نخبگان صورت نگیرد، دشمن با در دست گرفتن افکار عمومی و تبلیغات پروپاگاندایی درصدد اجرای نقشه شوم خود خواهد بود و باطل را با لباس حق ارائه خواهد کرد و برخی از انسان‌های سست‌ایمان را نیز به جرگه خود خواهد کشاند.

۳-۳. هدایتگری

واژه‌هایی مثل هدایت، رشد و غی، و الذی اختلفوا که از محورهای تبیین هستند، می‌توان ذیل عنوان راه و راهنماشناسی قرار داد؛ زیرا در همه این‌ها تبیین ناظر به تشخیص راه هدایت است. تبیین با محوریت هدایت در سه مورد در قرآن کریم به‌کار رفته است:

۳-۳-۱. تبیین هدایت و مخالفت با پیامبر ﷺ و مؤمنین

وَمَنْ يَشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (نساء/۱۱۵).

براساس این آیه شریفه و روابط هم‌نشینی، می‌توان گفت یکی از حوزه‌های معنایی تبیین، هدایت است؛ از این رو، تبیین باید هدایتگر باشد. بر همین اساس است که هدایت انسان، قرین همراهی با فرستادگان الهی و مؤمنین است. اما عده‌ای پس از تبیین هدایت و روشن

شدن مسیر، با آن مخالفت می‌کنند. این نوع مخالفت عواقب دنیوی و اخروی دارد. به تعبیر آیت الله جوادی، قرآن کریم اهل شقاق و مخالفت را تهدید کرده است (ومن يشاقق الرسول... نُؤَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ و ساءت مصيراً)؛ کسی که از حق اعراض کند، خداوند زمام وی را گرفته، او را تا لبه پرتگاه دوزخ می‌برد (نوله ما تولى ونصله جهنم)؛ زیرا انسان هر راهی را برگزیند و به هر سمت برود، حتی به سوی جهنم، هر چند زونده مختار خود اوست، ولی برنده وی خداست (جوادی آملی، تسنیم، جلد ۷: ۲۴۶). این آیه نیز نشان می‌دهد که خود انسان آتش را روشن کرده و او را می‌سوزاند و خداوند نیز این آتش سوزان و جهنم متحرک را سرپرستی می‌کند؛ زیرا هدایت الهی با ولایت‌های خودساخته سنخیتی ندارد.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا
اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَحْبِطُ أَعْمَالُهُمْ (محمد/۳۲).

براساس این آیه، کفر و صد عن سبیل الله و مخالفت با پیامبر، از ریشه‌های اصلی متضرر شدن انسان هستند. کفر ورزیدن، جلوگیری از ایمان آوردن یا باایمان شدن مردم، و مخالفت با پیامبر، با هر ابزار تبلیغی و رسانه‌ای، مانع روشنگری و هدایت مردم است؛ از این رو، باید با مراکز، نهادها و سازمان‌هایی که این اهداف را دنبال می‌کنند، مبارزه کرد. البته دود این تبلیغات به چشم خودشان می‌رود و خداوند هرگز ضرر نمی‌بیند.

۳-۲-۳. تبیین هدایت و وسوسه‌های شیطانی

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ
(محمد/۲۵).

همچنان‌که در آیات قبلی نیز روشن شد، تبیین با هدایت الهی قرین است. اما شیطان، از طریق وارونه جلوه دادن واقعیت‌ها و القای آرزوهای طولانی، انسان را به ارتداد می‌کشاند؛ بنابراین، در روشنگری نباید از مبارزه با شیطان غافل شد؛ زیرا سرسپردن به وسوسه‌های شیطانی، فرجامی غیر از ارتداد ندارد؛ از این رو، در تبیین نباید از نقش ناراضیان از وضعیت موجود غافل شد؛ زیرا شیطان آن‌ها را نیز با خود همراه می‌کند.

وَعَادَا وَتَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ
وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ (عنکبوت/۳۸).

در تبیین توجه به آثار گذشتگان، اعم از ایجاد موزه عبرت و حفظ آثار باستانی، مؤثر است. همچنین بر ملا کردن نقش شیطان در تزیین عمل - که مقدمه‌ای برای انحراف اجتماعی است - مهم است. دشمنان با هزاران جلوه‌گری رسانه‌ای و استفاده از دستگاه‌های تبلیغاتی، در صدد تزیین اهداف و اعمال خودشان هستند تا مردم را از راه صحیح منحرف کنند. توجه به نقش نخبگان دشمن در تبیین نیز مهم است. آن‌ها با بهره‌مندی از دانش و تخصص، خود را حق می‌دانند و شیطان نیز با تزیین آن‌ها هیچ شک و شبهه‌ای را در حقانیت و پذیرش آن‌ها باقی نمی‌گذارد.

۳-۳-۳. تبیین راه رشد و غی

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (بقره/۲۵۶).

تبیین رشد یعنی روشن‌گری واقعیت و حقیقت و بیان راه‌های رسیدن به حقیقت و واقعیت، برخلاف غی که نرسیدن به واقعیت و حقیقت است. رشد و غی اعم از هدایت و ضلالت هستند. به تعبیر آیت‌الله جوادی، رشد راه یافتن به سوی خیر و صلاح، و ضد غی، به معنای فرورفتن در فساد، است (جوادی، تسنیم، ج ۱۲: ۱۶۲). راغب نیز غی را جهل با اعتقاد فاسد می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۷۳۱). بر همین مبنا، جهل محض، غی نیست. در تبیین باید هردوی این‌ها روشن شوند و تمایز آن‌ها و نتایج آن‌ها نیز بیان شود تا حجت الهی بر مردم تمام شود.

پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ مصداق بارز تبیین و تبیین راه رشد از راه غی هستند (خطبه ۱۸۲). قرآن کریم و عقل نیز از دیگر مصداق تبیین راه رشد از غی است (حکمت ۴۲۱). امروزه نخبگان دینی جامعه باید همین رسالت را به‌دوش بکشند و راه رشد و غی را برای مردم تبیین کنند.

۴-۱. دشمن‌شناسی

از مؤلفه‌های محوری و میدان‌های معنایی تبیین در قرآن، براساس رابطه هم‌نشینی، تبیین دشمنی و عداوت است. این آیات با واژه‌هایی نظیر عدو لله، اصحاب الجحیم، بغضاء و... موردواکاوی قرار می‌گیرد.

۴-۱-۱. شناخت دشمن خدا (عدو لله)

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ
إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ (توبه/۱۱۴).

در این آیه خداوند می فرماید که وقتی برای ابراهیم روشن شد که پدرش با خدا دشمن است، از او بیزارى جست. ابراهیم چه ویژگی‌هایی از پدرش دید که دشمنی پدرش با خدا برای او روشن شد؟ با رجوع به قرآن ویژگی‌های عدو الله روشن می‌شود؛ به‌طور مثال، از ویژگی‌های دشمن خدا در آیه ۱ سوره ممتحنه، کافر شدن به هر آن چیزی است که از جانب حق تعالی آمده باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ». در این آیه شریفه، خداوند مؤمنین را از دوستی با دشمن خودش و دشمنان مؤمنین برحذر می‌دارد و هشدار می‌دهد که این‌ها به‌خاطر ایمان شما، پیامبر و مؤمنین را از شهر بیرون کردند؛ مبدا با این‌ها طرح دوستی داشته باشید و مخفیانه با آن‌ها ارتباط بگیرید که اگر چنین کنید در مسیر گمراهی قدم گذاشته‌اید؛ بنابراین، در تبیین دشمنی با خدا باید تبیین شود و از دشمنان خدا برائت جست؛ زیرا برنامه آن‌ها حذف دین از جامعه و برجسته کردن نیازهای طبیعی و شهوانی انسان است. آن‌ها نمی‌خواهند از سطح نبات و حیوان بالاتر باشند و به همین حد هم قانع نیستند، بلکه با کسانی که می‌خواهند انسان‌ها را ارتقاء و رشد دهند و از سطح حیوانیت به بالاتر ببرند مبارزه می‌کنند؛ از این‌ها باید تبرّی جست.

۴-۱-۲. شناخت چهره نفاق

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّى يَتَّبِعِنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَافِرِينَ (توبه/۴۳).

در برخی مواقع، فرصت دادن به دشمن چهره نفاق و دروغ آن‌ها را پوشیده نگه می‌دارد و نباید چنین فرصتی را در اختیار دشمن قرار داد. حضور در عرصه‌های جنگی، به‌طور مطلق محک خوبی برای شناخت انسان‌های صادق از کاذب است. صادقین در قرآن کسانی هستند که عملشان را براساس ایمانشان هماهنگ می‌کنند و لحظه‌ای در ایمان به خدا و رسولش تردید نمی‌کنند و با مال و جانشان در راه خدا جهاد می‌کنند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ

«أَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ تَمَّ لَمْ يَزَيَّتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات/۱۵)؛ به عبارت دیگر، صادقین کسانی هستند که تعهدات خود را در برابر ایمان به پروردگار به خوبی انجام می‌دهند؛ نه تردیدی به خود راه می‌دهند، نه عقب‌نشینی می‌کنند و نه از انبوه مشکلات می‌هراسند؛ بلکه با انواع فداکاری‌ها، صدق ایمان خود را ثابت می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ج ۸: ۱۸۱)؛ اما کاذبین چنین نیستند. آن‌ها با پوشش‌های ساختگی سعی می‌کنند خودشان را به مؤمنین نزدیک کنند تا با تحت تأثیر قرار دادن آن‌ها اهداف خودشان را محقق سازند. علاوه بر تشخیص صادقین از کاذبین در جبهه نبرد، در جنگ رسانه‌ای نیز می‌توان چهره نفاق و دروغ آن‌ها را تشخیص داد.

۳-۱-۴. عاقبت‌نگری درباره دشمن (اصحاب الجحیم)

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (توبه / ۱۱۳).

پس از روشن‌نگری و تعیین تکلیف در خصوص مشرکین و اهل دوزخ بودن آن‌ها، مدارا کردن و استغفار برای آن‌ها معنا ندارد؛ زیرا اصحاب جحیم در قرآن کافران و تکذیب‌کنندگان آیات الهی هستند که تلاش می‌کنند این آیات را محو کنند. مؤمنین نیز در مواجهه با آن‌ها باید مثل پیامبر ﷺ عمل کنند. در تبیین نیز وقتی روشن شد دشمن چه هدفی را دنبال می‌کند، مؤمنین نباید مدارا کنند و دنبال مذاکره و مصالحه و... باشند بلکه کنش‌هایشان باید براساس عاقبت‌اندیشی دشمنان باشد؛ حتی در پیوندهای خونی و نسبی و سببی، باید این‌گونه عمل کنند. هرچند مشرک از اقوام و آشنایان باشد، نباید ملاحظه او شود؛ زیرا آنچه مهم است پیوندهای مکتبی است نه پیوندهای خویشاوندی.

۴-۱-۴. همراز نشدن با دشمنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدَّوَا مَا عَنَيْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (آل عمران / ۱۱۸).

براساس این آیه، در تبیین باید ویژگی‌های رفتاری کافران و دشمنان را در نظر گرفت و از

کلام و صحبت دشمنان و تحلیل کلامی آن‌ها به کینه‌ها و بغض‌های نهفته‌شان می‌توان پی برد. آن‌ها در ایجاد فساد و آلوده کردن مؤمنین کوتاهی نمی‌کنند؛ بلکه تلاش می‌کنند تا مؤمنین را به فساد آلوده کنند. در برابر آن‌ها، مؤمنین باید به این بلوغ عقلی برسند که آن‌ها نسبت به مؤمنین کینه و بغض دارند.

نتیجه‌گیری

با بررسی مشتقات فعلی واژه تبیین در قرآن، روشن شد که رویکرد تبیینی در برابر رویکرد کتمانی قرار دارد. در فرهنگ محکم رویکرد تبیینی حاکم است؛ اما در فرهنگ متشابه و مستور رویکرد کتمانی برجسته است. هرچند در این پژوهش، رویکرد تبیینی در فرهنگ محکم مورد بررسی قرار گرفت؛ اما رویکرد کتمانی نیز پژوهشی مستقل می‌طلبد تا اشتراکات و افتراقات این دو رویکرد بهتر تبیین شوند. در رویکرد تبیینی، میدان‌های معنایی تبیین در قرآن، براساس رابطه هم‌نشینی، در چهار حوزه صورت‌بندی شدند که بیشترین فراوانی را تبیین آیه‌ای در برمی‌گرفت. در این حوزه تبیین، روابط خانوادگی و اصول روابط اجتماعی بیشتر مورد تأکید بود؛ از این رو، در جهاد تبیین نیز باید سبک زندگی در حوزه خانواده و ارتباطات اجتماعی بیشتر پرداخته شوند. این مهم، با ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی و هم‌جواری‌های مجازی، نیازمند توجه ویژه است؛ زیرا برخی از خانواده‌ها با حضور در فضای مجازی، کنشگری واقعی و حقیقی خود را فراموش می‌کنند و چه‌بسا تحت تأثیر فرهنگ فضای مجازی - که عمدتاً غربی و سکولار است - قرار می‌گیرند. در حوزه معنایی حق‌شناسی نیز تبیین بیشتر ناظر به پیامدهای عدم شناخت حق است؛ به همین سبب، در جهاد تبیین نیز باید اصل شناخت حق و پیامدهای غفلت از آن - که با مجادله و تحریف همراه است - مورد توجه قرار گیرد. در حوزه معنایی هدایت‌گری نیز تبیین بیشتر ناظر به شناخت مرز هدایت و ضلالت و رشد و غی و نسبت آن با مخالفت و غفلت از شیطان - پس از روشن شدن راه هدایت - است؛ بدین رو، در جهاد تبیین نیز باید با تبیین راه هدایت، از کنش‌های دشمنان و شیاطین غافل نشد. در حوزه معنایی دشمن‌شناسی هم به شناخت دشمنان خدا و عداوت و بغضی که آن‌ها دارند، پرداخته شده و توجه به عاقبت آن‌ها و همراه

نشدن با آن‌ها امر شده است. در جهاد تبیین باید به این مهم توجه ویژه داشت؛ زیرا دشمنان اسلام و دین، با حرب‌های مختلف رسانه‌ای و تبلیغاتی، درصدد پیاده کردن توطئه‌ها و نقشه‌های شوم خودشان هستند؛ بنابراین، لازم است با شناخت آن‌ها، موارد کتمان و تحریف را بازنمایی و حقیقت و هدایت الهی را تبیین کرد.

کتابنامه

- ابراهیم، مصطفی، و دیگران. (۱۹۸۹). المعجم الوسیط. ترکیه: دار الدعوه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی‌تا). لسان العرب. بیروت، دار صادر.
- آخوندی، مصطفی، و همکاران. (۱۳۹۲). جنگ نرم در کتاب و سنت. قم، زمزم هدایت.
- اسماعیلی صینی، محمود. (۱۴۱۴). المکنز العربی المعاصر. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۶۱). خدا و انسان در قرآن. (احمد آرام، مترجم). تهران، شرکت سهامی انتشار.
- بی‌پروش، مانفرد. (۱۳۷۰). زبان‌شناسی جدید. (محمد رضا باطنی، مترجم). تهران: انتشارات آگاه.
- پارسانیا، حمید. (۱۳۹۱). انواع و ادوار روشنفکری. قم: نشر کتاب فردا.
- پاکتچی، احمد. (۱۳۹۱). روش تحقیق در علوم قرآن و حدیث. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- پالمر، فرانک رابرت. (۱۳۹۱). نگاهی تازه به معنی‌شناسی. (کوروش صفوی، مترجم). تهران، مرکز.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). تسنیم، ج ۷ و ۱۲. قم، مرکز نشر اسراء.
- حسن جبل، محمدحسن. (۲۰۱۰م). المعجم الاشتقاقی المؤصل لألفاظ القرآن الکریم. قاهره، مکتبه الآداب.
- خاقانی اصفهانی، محمد. (۱۳۹۳). نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی اسلامی. مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- خاک‌پور، رحیم، و معارف، مجید. (۱۳۹۰). بررسی معناشناسانه واژه تبیین در قرآن، دوفصلنامه پژوهشی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، ۲(۸)، ۸۵-۱۱۴.
- خامنه ای، سید علی، (۱۳۸۸/۵/۵) بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، <https://khl.ink/f/7770>.
- خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۹)، بیانیه گام دوم انقلاب، تهران: مؤسسه پژوهشی انقلاب اسلامی.
- خامنه ای، سید علی، (۱۳۸۲/۴/۷) بیانات در دیدار مسئولین دستگاه قضایی. <https://khl.ink/f/3183>.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، ج ۱. بیروت، دار القلم.

- زبیدی، محمد بن محمد. (۱۳۸۵ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالهدایه.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران، سروش.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. (۱۴۲۲). الانتقان فی علوم القرآن. (تعلیق مصطفی دیب البغا). بیروت، دار ابن‌کثیر.
- صدر، محمدباقر. (۱۳۸۱). سنت‌های تاریخ در قرآن. (سید جمال‌الدین موسوی، مترجم). تهران: انتشارات تفاهم.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان. قم، جامعه مدرسین.
- قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۹). معناشناسی، ج ۱ و ۲. قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مرسلی، نوش‌آفرین، مهدی، حسن، و فرع شیرازی، سید حیدر. معناشناسی واژه عذاب در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم‌نشینی و جانیشینی، فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآنی، ۳(۶)، ۱۸۵-۱۵۵.
- مشکور، محمدجواد. (۱۳۵۷). المعجم المقارن بین العربیه و الفارسیه و اللغات السامیه. تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- مصطفوی، حسن (۲۰۰۹م). التحقيق، ج ۱. بیروت، دارالکتب العلمیه.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). مجموعه آثار، ج ۲. تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، ج ۸. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ملکیان، محمدباقر. (۱۳۸۸). علوم قرآن در تفسیر المیزان و آثار علامه طباطبایی. تهران: انتشارات اسوه.
- واعظی، احمد. (۱۳۹۰). درآمدی بر هرمنوتیک. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.